

جنگ خلیج فارس

-
- عنوان و نام پدیدآور: جنگ خلیج فارس/ ویراستهٔ الکساندر کرودن؛ ترجمهٔ فاطمه شاداب.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۹۸ ص.
فروست: چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان؛ ۶.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۱۲-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: The Persian Gulf War, 2011.
یادداشت: نمایه.
موضوع: جنگ خلیج فارس، ۱۹۹۱ م. — ادبیات کودکان و نوجوانان.
موضوع: Persian Gulf War, 1991 -- Juvenile literature
شناسهٔ افزوده: کرودن، الکس، ویراستار
شناسهٔ افزوده: Cruden, Alex
شناسهٔ افزوده: شاداب، فاطمه، ۱۳۴۶ -، مترجم
رده‌بندی کنگره: DS۷۹/۷۲
رده‌بندی دیویی: ۹۵۶/۷۰۴۳ [ج]
شمارهٔ کتاب‌شناسی ملی: ۸۸۲۱۵۵۲
-

چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان - ۶

جنگ خلیج فارس

ویراستهٔ الکساندر کرودن
ترجمهٔ فاطمه شاداب



این کتاب ترجمه‌ای است از:
Perspectives on Modern World History:
The Persian Gulf War
Alexander Cruden (Book Editor)
Greenhaven Press, 2011



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۰۲۱ ۶۶۴۰۸۶۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

ویراسته‌الکساندر کرودن

جنگ خلیج فارس

ترجمه فاطمه شاداب

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۴۰۱

چاپ ترانه

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۱۲-۵

ISBN: 978-622-04-0412-5

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

- پیشگفتار..... ۹
- مقدمه..... ۱۱
- نقشهٔ جهان..... ۱۵

بخش اول: زمینهٔ تاریخی جنگ خلیج فارس

- دیدگاه اول: مروری بر جنگ و دلایل وقوع آن..... ۲۰

آنتونی اچ. کوردزمن
در پی تهاجم عراق به کویت، بسیاری از کشورهای عرب با هم متحد شدند و نیروهای نظامی آن‌ها به ائتلاف تحت رهبری آمریکا پیوستند. برتری نیروی هوایی ائتلاف، برخورداری از فناوری، استراتژی، آموزش و هماهنگی بهتر باعث شکست نیروهای عراقی شد.

- دیدگاه دوم: چگونه صدام حسین برای جنگ آماده شد..... ۳۳

لورنس فریدمن و افرایم کارش
رهبر عراق با وجود فشارهای دیپلماتیک بین‌المللی به عقب‌نشینی از کویت رضایت نداد و ترجیح داد خطر جنگ با آمریکا را بپذیرد. او گمان می‌کرد آمریکایی‌ها تمایلی به جنگ ندارند و راضی نمی‌شوند برای این جنگ تلفات بدهند.

- دیدگاه سوم: رئیس‌جمهور آمریکا برای مقابله با عراق دست به اقدام عملی می‌زند..... ۴۵

جورج اچ. دبلیو. بوش
در این سند، که قبل از عملیات طوفان صحرا جزو اسناد محرمانه بوده است، جورج اچ. دبلیو. بوش منافع آمریکا در منطقهٔ خلیج فارس و آنچه را آمریکا در واکنش به حملهٔ عراق به کویت انجام خواهد داد تشریح می‌کند. این واکنش عبارت است از پیاده کردن و استقرار نیروهای نظامی آمریکا در منطقه.

- دیدگاه چهارم: بغداد در آستانهٔ وقوع جنگ سال نو را جشن می‌گیرد..... ۵۱

الین اسکویلینو
خبرنگار بخش خارجی روزنامهٔ نیویورک تایمز، که در بغداد حضور داشت، روایت می‌کند که مقامات تلاش می‌کردند اوضاع عادی به نظر بیاید، در حالی که عده‌ای از شهروندان عراقی مطمئن بودند که اقدام نظامی صورت نخواهد گرفت و عده‌ای گمان می‌کردند هر لحظه ممکن است درگیری فاجعه‌باری آغاز شود.

دیدگاه پنجم: چرا آمریکا تصمیم به حمله گرفت ۶۱

جورج اچ. دبلیو. بوش
دو ساعت بعد از آغاز حمله هوایی نیروهای ائتلاف به عراق و کویت، رئیس‌جمهور آمریکا آغاز جنگ را اعلام می‌کند و به مردم آمریکا توضیح می‌دهد که چرا دست به این جنگ زده‌اند. او می‌گوید که حمله تنها راه ممکن برای متوقف کردن صدام حسین و اقدامات خطرناکش بوده است.

دیدگاه ششم: بی‌ثباتی و نظامیگری در منطقه خلیج فارس ۶۸

عبدالحق عبدالله
از نظر تاریخی همواره در منطقه خلیج فارس درگیری و کشمکش وجود داشته و این منطقه عمدتاً تحت سلطه قدرت‌های بیگانه بوده است. این دو عامل از مهم‌ترین عوامل وقوع جنگ و عملیات طوفان صحرا بودند.

بخش دوم: مباحث پیرامونی جنگ خلیج فارس

دیدگاه اول: جنگ کاملاً توجیه‌پذیر بود ۷۸

جیمز ترنر جانسون
تصمیم برای آغاز عملیات طوفان صحرا کاملاً توجیه‌پذیر بود و تمام معیارهای جنگ مشروع را داشت. تعداد نیروهای به‌کارگرفته‌شده متناسب بود و انگیزه استفاده از قدرت نظامی برقراری صلح در منطقه بود.

دیدگاه دوم: جنگ نمایشی غیرموجه از غرور و تکبر بود ۸۹

آلن گایر و باربارا جی. گرین
مطرح کردن این فرضیه که جنگ آخرین راه چاره بوده است هم خطرناک است و هم گمراه‌کننده. نیروهای ائتلاف به جای این‌که احساسات جنگ‌طلبانه را برانگیزند، می‌بایست بر ادامه تحریم‌های اقتصادی علیه کادر رهبری عراق پافشاری می‌کردند.

دیدگاه سوم: کمک‌های اسرائیل به آمریکا حیاتی بود ۹۵

میچل بارد
آمریکا از اسرائیل خواست در این جنگ شرکت نکند، هرچند عراق با موشک‌های اسکاد به اسرائیل حمله کرده بود. با وجود این، اسرائیل به روش‌های گوناگونی از عملیات نظامی حمایت کرد، اما اقداماتش باعث برانگیختن احساسات افراط‌گرایانه عربی نشد.

دیدگاه چهارم: آمریکا می‌تواند ساختاری برای صلح خاورمیانه به وجود آورد ۱۰۴

ویلیام جی. پری
قابلیت‌های نظامی خارق‌العاده‌ای که آمریکا در این جنگ به نمایش گذاشت حال باید برای بازدارندگی به کار گرفته شود. افزایش توانمندی‌های آمریکا این کشور را چنان قدرتمند کرده است که کشورهای دیگر را از جنگ منطقه‌ای بازمی‌دارد.

دیدگاه پنجم: تغییر چشمگیر ساختار قدرت منطقه‌ای ۱۱۰

ساول بی. کوهن
شکست عراق سبب شد همسایگان این کشور احساس امنیت بیشتری داشته باشند، و راه مصر را برای تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه هموار کرد. همچنین احتمال یافتن راه‌حلی صلح‌آمیز برای مناقشات اعراب و اسرائیل را افزایش داد. این جنگ نقش آمریکا را به عنوان قدرت برتر منطقه تثبیت کرد.

دیدگاه ششم: عملیات طوفان صحرا حمله‌ای جنایتکارانه علیه مردمی بی دفاع بود ۱۸

رمزی کلارک

در حالی که آمریکا در مورد عملیات نظامی دقیق داستان‌سرای می‌کرد، ده‌ها هزار نفر از مردم عراق از جمله کودکان، سالخورده‌گان و افراد غیرنظامی کشته شدند. بعد از پایان عملیات طوفان صحرا، ادامه تحریم‌ها به رهبری آمریکا مصداقی از سیاست نسل‌کشی بود.

دیدگاه هفتم: رهبران عرب می‌توانستند مانع وقوع جنگ شوند ۱۲۸

مجید خدوری و ادموند قریب

شناخت بهتر از فرهنگ اسلامی ثابت می‌کند که وقوع این جنگ اجتناب‌پذیر بوده است. در نشست کشورهای عرب، که پیش از حمله عراق به کویت برگزار شد، فرصت پیشگیری از وقوع جنگ از دست رفت. و کشورهای غربی — به رهبری آمریکا — هم از خود ناشکیبایی نشان دادند.

دیدگاه هشتم: جنگ بیش از یک چهارم سربازان آمریکایی را بیمار کرد ۱۳۴

کمیته مشورتی تحقیقات در مورد بیماری‌های سربازان شرکت‌کننده در جنگ خلیج فارس یک گروه تحقیقاتی فدرال با استناد به شواهد موجود این مطلب را مطرح کرده است که قرص‌هایی که در دوران جنگ به سربازان داده می‌شد و آفت‌کش‌هایی که استفاده می‌شد باعث بروز علائم بیماری در ۱۷۰,۰۰۰ سرباز شرکت‌کننده در این جنگ شده است.

دیدگاه نهم: دولت بوش اجازه نداد مردم از تمام حقیقت آگاه شوند ۱۴۲

ژاکلین شارکلی

آمریکا در جنگ با عراق پیروزی بزرگ و چشمگیری به دست آورد. این تصویری است که به اغلب آمریکایی‌ها نشان داده شد — زیرا ارتش به شدت رسانه‌ها را تحت کنترل گرفته بود. دولت بوش تصاویر گزینشی را که به نفعش بود به مردم ارائه می‌کرد.

بخش سوم: روایت‌های شخصی

دیدگاه اول: روایت افسر آمریکایی از ورود اولین مهاجمان به شهر کویت ۱۵۶

مارتین استانتون

سرگرد آمریکایی که برای گذراندن تعطیلات آخر هفته به کویت سفر کرده و در هتل شرایتون ساکن شده بود با صدای تیراندازی از خواب بیدار می‌شود و اولین سربازان عراقی را می‌بیند که با اتوبوس‌های مدرسه وارد پایتخت کویت می‌شوند.

دیدگاه دوم: جنگ مجموعه‌ای است از شجاعت، مرگ و سردرگمی ۱۶۵

باز ویلیامز

سرجوخه‌ای جوان از نیروهای ذخیره تفنگداران دریایی مشکلات و هرج‌ومرج جنگ در بیابان را شرح می‌دهد — از جمله حمله به عراقی‌ها، مواجهه با سردرگمی میان مرگ و زندگی، و برخورد با کودکان در میدان جنگ.

دیدگاه سوم: بزرگ‌ترین چالش زنانی که در جنگ شرکت می‌کنند کنترل ذهنشان است ۱۷۲

راندا کورنم، به نقل از پیترو کولپند

هوایم‌های این زن آمریکایی، که هم پزشک و هم سرگرد ارتش است، در حین پرواز امدادی برای کمک به خلبانی مجروح سرنگون می‌شود. او مجروح می‌شود و به اسارت عراقی‌ها

درمی آید. او توضیح می دهد که عملیات طوفان صحرا چگونه در او و نیز در کل زنان شاغل در ارتش تأثیر گذاشته است.

دیدگاه چهارم: جنگ زندگی نوجوانان عراقی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است..... ۱۸۱

ناجی العلی و یاسمین حسین

بعد از جنگ، زندگی روزمره برای نوجوانان نه امن بود و نه قابل پیش بینی. با وجود پیوندهای خانوادگی مستحکم، بسیاری از جوانان و نوجوانان عراقی مشتاق بودند هرچه زودتر میهنشان را ترک کنند. با وجود تغییر و تحولات بسیاری که در عراق رخ داده بود، هنوز هم اولویت برخی از این افراد تحصیلات عالی بود.

گاهشمار..... ۱۸۹

برای مطالعه بیشتر..... ۱۹۱

نمایه..... ۱۹۳

پیشگفتار

«تاریخ برای آینده برنامه‌ای به ما نمی‌دهد، اما می‌تواند درکی کامل‌تر از خود ما و طبیعت بشریِ مشترکمان ارائه کند، از این رو بهتر می‌توانیم با آینده مواجه شویم.»

— رابرت پن وارن
شاعر و داستان‌نویس آمریکایی

در تاریخ هر ملت رویدادهای سرنوشت‌سازی وجود دارد که برای آن ملت در حکم نقطه عطف است و تأثیری فراتر از مرزهای آن دارد. این رویدادها — که دربرگیرنده طیف کاملی از خصایص بشری است، از جمله خشونت، طمع و جهالت، و همچنین رشادت، دلاوری و قدرت — تقریباً همیشه پیچیده است و جنبه‌های مختلفی دارد. دانشجوی تاریخ با مسائل چالش‌برانگیز بسیاری مواجه است، با رویدادهایی مانند جنگ، جنبش‌های اجتماعی و بلایای زیست‌محیطی که دنیا را دگرگون می‌کند. اما درک این رخداد‌های مهم تاریخی در صورتی بهتر می‌شوند که از منظرهای گوناگون بررسی شوند؛ بررسی از دیدگاه افرادی که از نزدیک شاهد وقایع بوده‌اند یا از فاصله مکانی و زمانی دور آن را رصد کرده‌اند. این درک با فهم مباحث پیرامونی و کندوکاو در رویدادها و مسائل مهم از زوایای متفاوت بیشتر می‌شود. سرانجام، درک واقعی رویدادهای مهم تاریخی مستلزم اطلاع از تأثیر رویدادها بر انسان — شیوه‌های اثرگذاری این رویدادها بر زندگی روزانه مردم — در سراسر دنیاست.

مجموعه کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» رویدادهای تاریخی دنیا را از قرن بیستم به بعد با ارائه تحلیل و از دیدگاه‌های مختلف بررسی می‌کند. کتاب‌های این مجموعه به دانش‌آموزان، دانشجویان و افراد علاقه‌مند گزیده‌ای از رویدادهای مهم تاریخ ارائه می‌کنند که پیش‌تر منتشر شده است، البته با توجه به گزارش‌های بین‌المللی درباره آن. هر جلد با اطلاعات زمینه‌ای درباره رویداد شروع می‌شود، بعد به مباحث پیرامونی آن می‌پردازد، و با روایت‌های اول‌شخص افرادی به پایان می‌رسد که در صحنه حضور داشته‌اند یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند. این مجموعه می‌تواند با استفاده از منابع اصلی مربوط به زمان رویداد و نیز گزارش‌های مناسب در آن زمینه در شکل‌گیری بحث، کمک به رشد مهارت‌های تفکر

نقادانه، افزایش آگاهی از جهان، و افزایش درک چشم‌انداز بین‌المللی از تاریخ مفید باشد. مطالب از منابع مختلف از جمله نشریات، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌های غیرداستانی، روایت‌های شخصی، سخنرانی‌ها، شهادت‌ها در مجامع، اسناد دولتی، جزوات، بولتن‌های خبری سازمانی، و مقالات انتخاب شده‌اند. مقالات برگرفته از این منابع به دقت تصحیح شده و برای تهیه متن استفاده شده است. هر جلد از کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» حاوی دیدگاه‌های مختلف درباره رویدادهای پراهمیت دنیاست. بیشتر مطالب از منابع بین‌المللی و منابع ایالات متحده است که پوشش بین‌المللی وسیعی داشته است. هر جلد از سری کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» دربرگیرنده موارد زیر است:

نقشه جهان که نمایی از متن و جغرافیا ارائه می‌کند.
 فهرست مطالب به شکل توضیحی که خلاصه کوتاهی از هر مقاله تحقیقی در کتاب ارائه می‌کند.
 مقدمه که خاص موضوع آن کتاب ارائه شده است.
 برای هر دیدگاه یک معرفی کوتاه درباره مؤلف و منبع نوشتار او با خلاصه‌ای از نکات اصلی ارائه شده است.
 جداول، نمودارها، نقشه‌ها و دیگر تصاویر مربوطه.
 کادرهای حاشیه‌ای که اطلاعاتی درباره زندگی افراد محوری و رویدادهای تاریخی می‌دهد یا به توضیح مفاهیم علمی یا فنی می‌پردازد.
 فهرست اصطلاحات برای تعریف اصطلاحات اصلی مورد نیاز.
 گاهشماری از رویدادهای مهم قبل، همزمان و بلافاصله بعد از آن.
 کتاب‌شناسی برای معرفی کتاب‌های بیشتر، نشریات ادواری و وبسایت‌ها برای تحقیقات بیشتر.

نمایه جامع برای دسترسی به افراد، مکان‌ها و رویدادهای نقل شده در متن. «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» برای طیف وسیعی از خوانندگان طراحی شده است، افرادی که می‌خواهند نه تنها درباره تاریخ بلکه درباره رویدادهای جاری، سیاست، حکومت، روابط بین‌المللی، و جامعه‌شناسی بیشتر بدانند — دانش‌آموزان و دانشجویانی که برای انجام دادن تکالیف یا در مورد بحث‌های کلاسی تحقیق می‌کنند، معلمان و کادر آموزشی که به دنبال مطالب تکمیلی‌اند، و آن‌هایی که می‌خواهند تاریخ را بهتر بفهمند. هر جلد از کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» طوری تدوین شده تا رویدادی پیچیده را توضیح دهد، جرقه بحث را بزند، و دیدگاه بشری پس‌پشت مهم‌ترین رویدادهای جهان در دهه‌های اخیر را نشان دهد.

مقدمه

کالین پاول اصرار داشت که جنگ بی‌درنگ آغاز شود. او در ایام جوانی در دهه ۱۹۶۰ به ارتش آمریکا پیوست و در جنگ ویتنام خدمت کرد. به نظر نمی‌رسید این جنگ پایان خوبی داشته باشد. ده‌ها هزار نفر از نیروهای آمریکایی تلف شدند و آدم‌های زیادی در درستی اهداف این جنگ تردید کردند. نیروهای آمریکا بعد از سال‌ها جنگ بی‌نتیجه، سرانجام عقب‌نشینی کردند و متحدانشان در ویتنام جنوبی هم شکست خوردند.

پاول دو بار در این درگیری مجروح شد، با این حال در ارتش ماند و سلسله‌مراتب نظامی را طی کرد. در دوران ریاست‌جمهوری جورج اچ. دبلیو. بوش، پاول به بالاترین مقام نظامی کشور یعنی ریاست ستاد مشترک نیروهای آمریکا رسید. عملکرد او در این دوره به شکل‌گیری دکترین پاول منجر شد.

طبق دکترین پاول، اقدام نظامی به عنوان آخرین گزینه و فقط در صورتی که هدف مورد نظر تهدیدی جدی برای امنیت ملی آمریکا به حساب بیاید به کار گرفته می‌شود؛ نیروی نظامی‌ای که به کار گرفته می‌شود باید به مراتب قدرتمندتر از نیروی دشمن باشد؛ حمله نظامی باید از حمایت مردم آمریکا برخوردار باشد؛ و حتماً یک راهبرد خروج قابل قبول برای آن تعیین شده باشد. به طور خلاصه، جنگ فقط باید در صورت ضرورت و با اطمینان از حصول پیروزی آغاز شود.

در سال ۱۹۹۰، بعد از این‌که صدام حسین، رئیس‌جمهور وقت عراق، به کویت لشکرکشی و تهدید کرد که بقیه منطقه خاورمیانه را هم اشغال خواهد کرد، پاول وارد عمل شد. پاول مغز متفکر تشکیلات نظامی آمریکا در حوزه خلیج فارس و مسئول ایجاد هماهنگی با نیروهای ائتلاف در نبردی بود که «عملیات طوفان صحرا» نام گرفت. در اوایل سال ۱۹۹۱، وقتی صدام حاضر به عقب‌نشینی نشد، پاول عملیات جنگ خلیج فارس را آغاز کرد، حمله نظامی بی‌رحمانه و کارآمدی که در مدتی کمتر از دو ماه به پیروزی نیروهای ائتلاف منجر شد.

این جنگ دکترین پاول را به همه جهان معرفی کرد و ارتش آمریکا توانست با استفاده از سلاح‌های هوابرد مجهز به فناوری پیشرفته و توانایی‌های نیروی زمینی

آموزش دیده‌اش برتری‌اش را اثبات کند. یک دهه بعد، هنگامی که پاول دوباره در واشینگتن به مقام بالایی رسید، صدام حسین هنوز هم در منصب ریاست‌جمهوری عراق قرار داشت و مشکلات فراوانی در عرصه بین‌المللی به وجود آورده بود، و آمریکا هم برای نبردی دیگر در منطقه خلیج فارس آماده می‌شد، جنگی که معلوم شد مثل جنگ قبلی پایان خوشی ندارد.

پاول این بار وزیر خارجه جورج دبلیو. بوش پسر بود. او با وجود سوابق نظامی درخشان و طولانی و رهبری موفقیت‌آمیزش در جنگ خلیج فارس، معتقد بود برای حل و فصل مشکلات پیش رو باید از دیپلماسی کمک گرفت. اما سایر اعضای عالی‌رتبه کابینه بوش در مورد مسئله عراق با نظر پاول موافق نبودند و در سال ۲۰۰۳ جنگ دیگری در گرفت. بعد از انتخاب مجدد بوش در سال ۲۰۰۴، پاول از سمت وزارت کشور استعفا کرد. این جنگ با دکترین پاول همخوانی نداشت.

پاول بعدها گفت: «من تمام تلاشم را به کار گرفتم تا مانع وقوع این جنگ شوم.» او گفت برای بوش توضیح داده که در صورت عدم حصول پیروزی، «ورود به یک کشور عرب به عنوان نیروی اشغالگر چه عواقبی در پی خواهد داشت».

پرسش مهمی که هنوز بی‌جواب مانده این است که آیا نیروهای ائتلاف در همان سال ۱۹۹۱ نمی‌بایست صدام حسین را از قدرت عزل می‌کردند. آیا پس از شکست سختی که به ارتش عراق تحمیل کردند، نمی‌بایست تا بغداد پیش می‌رفتند و کنترل کامل کشور را به دست می‌گرفتند؟

ریک آتکینسون در روزنامه واشینگتن پست نوشت: «بعد از جنگ ویتنام، هیچ‌کدام از تصمیم‌های ارتش آمریکا به اندازه گذشته که در حق عراق کرد بحث‌انگیز، متناقض و پرحاشیه نبوده است.» بنا بر نظرسنجی پاییز ۱۹۹۱، دوسوم مردم آمریکا معتقد بودند که جنگ خلیج فارس زود پایان گرفته است. حتی اگر صدام حسین و مقامات ارشد نظامی‌اش کشته نمی‌شدند و فقط از کار برکنار می‌شدند، کادر رهبری عراق از بین می‌رفت و آن‌گاه دولتی بر سر کار می‌آمد که دست‌کم برای مدت محدودی تحت رهبری آمریکا اداره عراق را بر عهده می‌گرفت. این همان اشغالگری‌ای بود که پاول بعدها در موردش هشدار داده بود و سرانجام در اواسط دهه ۲۰۰۰ و بعد از دومین جنگ در مقابل صدام رخ داد.

برخی معتقدند اگر سربازان آمریکایی پیشروی را ادامه می‌دادند، شورشیان عراق خودشان صدام را سرنگون می‌کردند. اما آمریکا از اقداماتی که می‌توانست به بروز شورش

منجر شود سر باز زد. در واقع طرف آمریکایی امیدوار بود ژنرالی میانه‌رو یا گروهی از افسران با اقدام به کودتا صدام را سرنگون کنند. در این صورت یک دولت بومی و باثبات بر سر کار می‌آمد که آمریکا می‌توانست با آن مذاکرات سازنده‌ای داشته باشد. اما هیچ‌کدام از این‌ها رخ نداد.

تمایل برای این‌که جنگ با عراق هرچه زودتر به پایان برسد بیشتر به این دلیل بود که حمله گسترده‌تر به عراق باعث می‌شد تعداد تلفات غیرنظامیان بیشتر شود و ویرانی‌های عظیمی به بار بیاید و آمریکا هم حمایت بین‌المللی‌اش را از دست بدهد. گمان می‌رفت پس از اثبات پایبندی طرف پیروز جنگ به نوع دوستی و شفقت، سازمان ملل متحد بتواند انتقال قدرت در عراق را مهندسی کرده، صدام را از قدرت عزل کند و کشور را در مسیر صلح‌آمیزی قرار دهد.

روش‌های سازمان ملل عبارت بودند از اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه رژیم صدام و اعزام هیئت‌های بازرسی برای کنترل و کاهش جنگ‌افزارهای متعلق به عراق. تلاش برای استفاده از دیپلماسی نه‌تنها باعث جلب همکاری متحدان همیشگی آمریکا شد، بلکه حتی برخی دولت‌های نظامی عرب مانند سوریه هم برای همکاری اعلام آمادگی کردند. به‌علاوه، هدف از تشکیل ائتلاف نظامی بین‌المللی این بود که عراق از کویت بیرون رانده شود، نه این‌که حکومت عراق تغییر داده شود. تغییر حکومت در عراق باعث خشنودی بسیاری از کشورها می‌شد، اما هدفی که روی آن توافق شده بود آزادسازی کویت بود. وقتی این هدف محقق شد، زمان آتش‌بس فرا رسیده بود.

در آن زمان آمریکا به کمک اروپایی‌ها و سایر متحدانش نیاز داشت تا مسئله فروپاشی شوروی و تجزیه اروپای شرقی را حل و فصل کند. زمان خوبی برای دشمن‌تراشی نبود. در واقع، ادامه همکاری‌های بین‌المللی طی سال‌های بعد از جنگ خلیج فارس سبب شد مسائلی که مدت‌ها محل مناقشه بودند تا حدی حل و فصل شوند که خود دستاورد مهمی به شمار می‌آمد.

به‌علاوه، به نظر می‌رسید در صورت لزوم سرنگونی صدام کار چندان دشواری نباشد. عده زیادی باور داشتند ارتش آمریکا هر کاری بخواهد هر زمان و هر کجا می‌تواند انجام دهد. ببینید چطور در عرض فقط چهار روز چهارمین ارتش بزرگ جهان (ارتش عراق) را در خاک خودش شکست داد، در حالی که جنگ گسترده زمینی فقط چند روز طول کشید. قدرت زیاد و فناوری برتر نیروی هوایی آمریکا را ببینید. پیروزی در جنگ به آسانی برنده شدن در بازی‌های ویدئویی است.

اما در واقع جنگ حتی برای نیروهای نظامی مجهز آمریکایی هم کاری دشوار بود. مالی مور، که در زمان جنگ در کنار تفنگداران دریایی که برای آزادسازی کویت تحت اشغال می‌جنگیدند حضور داشت، در کتاب زنی در جنگ نوشته:

از نظر جهانیان، در این جنگ نیروهای مسلح آمریکایی به پیروزی آسان و سریعی دست یافتند، اما برای زنان و مردانی که در این جنگ شرکت داشتند و فرماندهانی که هدایت این نیروها را بر عهده داشتند، جنگ زمینی اصلاً کار آسانی نبود. ... کوتاه بودن مدت جنگ و تعداد کم تلفات نیروهای آمریکایی بیانگر شدت درگیری‌ها، فاجعه ناگوار از دست رفتن جان نظامیان، یا اقدامات قهرمانانه افراد جان‌برکفی که برای نجات زندگی بقیه افراد زندگی خود را به خطر انداختند نیست.

مسائل اصلاً به آن سادگی که به نظر می‌رسید نبود. آیا کشورهای عرب اجازه می‌دادند جنگ بزرگی در بگیرد، جنگی که پیشگیری از وقوع آن ممکن بود؟ آیا استفاده از نیروهای نظامی به این شکل جایز بود؟ آیا در جنگ اصول اخلاقی رعایت شد یا جنایات جنگی رخ داد؟ آیا افرادی که در جنگ شرکت کردند توانستند در شرایط پرتنش عملکرد مناسبی نشان دهند؟ آیا نتیجه جنگ ساختاری برای برقراری صلح در خاورمیانه ایجاد کرد؟ آیا سربازان آمریکایی زیادی مسموم شدند؟ و آیا مردم داستان اصلی جنگ را می‌دانستند؟

در این کتاب واقعیت‌ها و دیدگاه‌های ارزشمندی در مورد این رخداد که نقطه عطفی در تاریخ به شمار می‌آید ارائه شده است.

نقشه جهان



بخش اول
زمینه تاریخی جنگ خلیج فارس



دیدگاه اول

مروری بر جنگ و دلایل وقوع آن

آنتونی اچ. کوردزمن^۱

این کارشناس امور خاورمیانه می‌گوید، عراق بعد از جنگ با ایران در دهه ۱۹۸۰ بدهی‌های زیادی به بار آورد و صدام حسین رئیس‌جمهور وقت تصمیم گرفت ثروت کویت را مصادره کند. صدام گمان نمی‌کرد کشورهای عرب همسایه و کشورهای غربی در پاسخ به این اقدام عراق با کشورش وارد جنگ شوند. اما نویسنده تأکید دارد تعداد زیادی از کشورهای جهان از تشکیل نیرویی بزرگ و قدرتمند تحت رهبری آمریکا حمایت کردند. در این دیدگاه چگونگی شکست قوای عراقی به دست نیروهای ائتلاف بررسی می‌شود. آنتونی اچ. کوردزمن تحلیلگر امنیت ملی در شبکه خبری ای‌بی‌سی بوده، در وزارتخانه‌های امور خارجه، دفاع، و انرژی آمریکا خدمت کرده و در حال حاضر در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی مشغول به کار است. او مقالات زیادی در مورد خاورمیانه نوشته است.

حمله عراق به کویت در روز اول اوت ۱۹۹۰

منجر به وقوع سلسله رخدادهایی شد که یکی از بزرگ‌ترین درگیری‌های دوران معاصر را رقم زد. جنگ اصلی فقط ۴۳ روز طول کشید، اما طی این دوره عملیات هوایی و توپخانه‌ای متعددی انجام گرفت و از فناوری‌های نوین گوناگون، از

عکس صفحه قبل: آسمان بغداد در شب ۱۸ ژانویه ۱۹۹۱ پس از انفجارهای ناشی از بمباران‌های هوایی نیروهای ائتلاف روشن شده است. (Associated Press)

هواپیماهای شناساگر نیز گرفته تا تانک‌هایی مجهز به سامانه کنترل آتش و تصویربرداری حرارتی، به طور گسترده استفاده شد.

این جنگ تغییرات مهمی در روابط شرق و غرب و همچنین در جهان در حال توسعه پدید آورد. این اقدام نبردی بود بین یک ابرقدرت منطقه‌ای که تحت سلطه دیکتاتوری جاه‌طلب بود با ائتلاف فراگیر نیروهای سازمان ملل به رهبری آمریکا و عربستان سعودی. در صحنه سیاسی هم اوضاع طوری شد که آمریکا توانست حمایت اتحاد شوروی را هم جلب

1. Anthony H. Cordesman, "Gulf War, 1991," *International Military and Defense Encyclopedia*. © 1993 Gale, a part of Cengage Learning, Inc.

کند. به این ترتیب می‌توان آن را اولین جنگ بعد از پایان دوران جنگ سرد به شمار آورد.

برخلاف اغلب درگیری‌ها،
حملهٔ عراق به کویت تهاجم
آشکاری بود که هیچ توجیه یا
منطق سیاسی نداشت.

برخلاف اغلب درگیری‌ها، حملهٔ عراق به کویت تهاجم آشکاری بود که هیچ توجیه یا منطق سیاسی نداشت. عراق قبل از حمله به کویت ادعا کرده بود که کویت به سهمیهٔ نفتی‌اش تعرض کرده و بیش از اندازه از میدان نفتی رُمیله نفت استخراج می‌کند —

میدان نفتی رُمیله میدان بزرگی است که در عراق قرار دارد و متتھالیه جنوبی آن در کویت واقع شده است. در واقع عراق هیچ‌گاه با سهمیه‌ای که برایش تعیین شده بود موافقت نکرده بود و در دوران جنگ عراق با ایران (۱۹۸۰-۱۹۸۸) کویت بخش زیادی از پول حاصل از فروش تولیدات این میدان نفتی را به عراق می‌داد. به علاوه کویت در طول این جنگ میلیاردها دلار به عراق کمک مالی کرده بود. کویت قبل از تهاجم عراق پیشنهاد کرده بود عراق صادرات نفتش را کاهش دهد و استخراج از میدان رُمیله را هم متوقف کند.

در روزهای اول تهاجم، عراق ادعاهای سست و بی‌پایه‌ای مطرح می‌کرد، ابتدا ادعا کرد برای سرکوب نیروهای کویتی دموکرات که از شورشی‌ها — که وجود خارجی نداشتند — حمایت می‌کنند وارد خاک کویت شده است و خاک این کشور را ترک خواهد کرد، اما این کار را نکرد و پیشروی نیروها تا مرز جنوبی کویت و عربستان سعودی ادامه یافت.

سپس عراق ادعا کرد که قصدش آزادسازی سرزمین‌هایی بوده که بریتانیا از چنگش درآورده بود؛ البته در پشت این ادعا هم هیچ دلیل موجه تاریخی وجود نداشت: عراق نمی‌توانست نسبت به کویت ادعای مالکیتی داشته باشد، زیرا کشور عراق کنونی را بریتانیا بعد از جنگ جهانی اول و پس از سقوط امپراتوری عثمانی تشکیل داده بود. حتی امپراتوری عثمانی هم در کویت نفوذی نداشت یا قدرتش بسیار محدود بود و کویت معمولاً یک سرزمین بادیه‌نشین مستقل در حاشیهٔ خلیج فارس شناخته می‌شد. بریتانیایی‌ها در دههٔ ۱۹۲۰ مرزهای کویت به عنوان یک دولت‌شهر را فقط در واکنش به خطر تهدید حملهٔ سعودی‌ها ترسیم کردند.

اما دلایل واقعی حملهٔ عراق به کویت مجموعه‌ای از مشکلات اقتصادی و نیز جاه‌طلبی‌های صدام حسین بود. عراق در دوران صدام حسین، حتی بعد از اعلام آتش‌بس در اوت ۱۹۸۸، به توسعهٔ ماشین نظامی‌اش ادامه داد. عراق طی سال‌های

۱۹۸۰-۱۹۸۸ و در طول جنگ با ایران معادل ۶۰ میلیارد دلار سلاح از آمریکا تحویل گرفته بود و هزینه جنگ برای این کشور حدود یک سوم تولید ناخالص داخلی اش بود. به علاوه عراق مبلغ بیشتری را هم صرف تولید موشک و سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای کرده بود. همزمان میلیاردها دلار هم برای پروژه‌های جاه‌طلبانه شهرسازی مانند بازسازی بصره و فاو هزینه شده بود.

هنگامی که بدهی‌های خارجی عراق به حدود ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده بود، بهای نفت هم کاهش یافته و جهان با مازاد صادرات نفت روبه‌رو شده بود. در نتیجه عراق توانایی تأمین هزینه‌های ماشین جنگی اش را نداشت، نمی‌توانست بدهی‌هایش را بپردازد و نمی‌توانست توقع مردمش را در زمینه بازسازی و توسعه اقتصادی پس از جنگ با ایران برآورده کند.

اما حمله به کویت این فرصت را به صدام می‌داد تا توجه مردم را به این منبع ثروت سرشار و دسترسی به بندری با موقعیت سوق‌الجیشی در کنار آب‌های آزاد جلب کند. بودجه کویت برای اعتبارات و سرمایه‌گذاری آینده بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بود. اشغال کویت می‌توانست دست‌کم روزی ۲ میلیون بشکه بر صادرات ۳/۵ میلیون بشکه‌ای نفت عراق بیفزاید و ذخیره نفتی عراق را از ۱۰۰ میلیارد به ۱۹۸ میلیارد بشکه (معادل ۲۵ درصد ذخیره کل جهان) برساند. به علاوه نیروهای عراقی در مجاورت مرزهای عربستان سعودی قرار می‌گرفتند. حتی اگر عراق به میداین نفتی و پالایشگاه‌های عربستان حمله نمی‌کرد، باز هم موقعیت راهبردی اش سبب می‌شد در مقابل کشورهای دیگری که ۲۸ درصد ذخایر نفتی جهان را در اختیار داشتند برتری نسبی داشته باشد.

اتحاد بخش عمده‌ای از جهان در مقابل عراق

موفقیت حمله عراق تا حد زیادی به واکنش کشورهای همسایه، آمریکا و سایر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بستگی داشت. صدام حسین گمان می‌کرد کشورهای همسایه از جمله عربستان سعودی وحشت‌زده‌تر از آن‌اند که وارد عمل شوند و آمریکا هم تمایلی برای اعزام نیرو یا درگیری و جنگ ندارد. اما پیش‌بینی‌های صدام در مورد واکنش کشورهای همسایه و مداخله آمریکا و سایر کشورهای جهان غلط از آب درآمد.

عربستان سعودی بی‌درنگ از دولت در تبعید کویت اعلام حمایت کرد و با آمریکا به رایزنی پرداخت. وقتی نیروهای عراقی به سوی مرزهای عربستان پیشروی کردند و



رژیم عراق ادعا می‌کرد کویت از میدان نفتی مشترک رمیله در جنوب عراق بیش از اندازه نفت استخراج می‌کند و این را دلیل جنگ اعلام کرد. با این که سال‌هاست جنگ به پایان رسیده، هنوز هم سربازان بریتانیایی از این منطقه محافظت می‌کنند. (Associated Press.)

در موقعیت حمله استقرار یافتند، عربستان خواستار کمک نظامی خارجی شد. به‌علاوه عربستان فوراً حمایت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس^۱ — بحرین، عمان، قطر و امارات متحده عربی — را هم جلب کرد.

جورج بوش (پدر) هم بلافاصله به بررسی موضوع حمله عراق پرداخت. او با بریتانیا، فرانسه و دیگر کشورهای متحدش که در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ از پیوستن به عملیات دریایی در خلیج فارس حمایت کرده بودند مشورت کرد. بوش هیئتی را به عربستان اعزام کرد تا بر تعهدش مبنی بر دفاع همه‌جانبه نظامی از عربستان تأکید کند. همزمان بوش دارایی‌های عراق را مسدود کرد و توانست حمایت سازمان ملل را برای اعمال محاصره دریایی عراق و نیز تحریم صادرات و واردات عراق — بجز

۱. در این جا، و نیز در بسیاری از جاهای دیگر کتاب، مؤلفان مقاله‌ها به جای «خلیج فارس» عبارت‌های «خلیج عربی» یا «خلیج» را به کار برده‌اند، که مترجم عبارت «خلیج فارس» را جایگزین آن‌ها کرده است. — م.

مواد غذایی و دارو به خاطر اهداف بشردوستانه — جلب کند. صدام گمان می‌کرد عقب‌نشینی آمریکا از ویتنام و لبنان حاکی از ضعف این کشور بوده، اما اتفاقات بعدی نشان داد که او کاملاً در اشتباه بوده است. روز هفتم اوت، یک هفته بعد از ورود نیروهای عراقی به کویت، آمریکا اعلام کرد که نیروی زمینی، هوایی و دریایی‌اش را به عربستان سعودی اعزام خواهد کرد.

تقریباً بقیه کشورهای جهان هم با قاطعیت به این اقدام پاسخ دادند. بریتانیا، فرانسه، سایر کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، ژاپن، اغلب کشورهای اروپای شرقی و حتی اتحاد شوروی بلافاصله اقدام عراق را محکوم کردند. شوروی می‌خواست از فرصت به‌دست‌آمده استفاده کند و عراق را متقاعد نماید تا از کویت عقب‌نشینی کند، ولی در عین حال در سازمان ملل از آمریکا حمایت می‌کرد و هیچ‌گاه از اقدامات عراق جانبداری نکرد. سایر کشورهای عرب هم موضعی قاطع داشتند. روز ۳ اوت ۱۹۹۰، شورای اتحادیه عرب به محکومیت عراق رأی داد و خواستار عقب‌نشینی عراق از خاک کویت شد. مصر و سوریه به‌شدت با اقدام عراق مخالفت کردند و نیروهای نظامی‌شان را به منظور دفاع از عربستان و آزادسازی کویت گسیل کردند. سایر کشورهای عرب از جمله الجزایر هم همین کار را کردند. فقط اردن، لیبی، موریتانی، سازمان آزادی‌بخش فلسطین، سودان و یمن در تمام مراحل بحران از عراق حمایت کردند.

همکاری‌ای که بین غرب و شرق پدید آمده بود سازمان ملل را قادر ساخت دست به اقدام بی‌سابقه‌ای علیه عراق بزند. روز ۲ اوت ۱۹۹۰، شورای امنیت با رأی ۱۴ موافق و بدون رأی مخالف قطعنامه ۶۶۰ را تصویب کرد که از عراق می‌خواست بی‌درنگ و بدون قید و شرط خاک کویت را ترک کند. سپس شورای امنیت قطعنامه‌های دیگری در مورد اعمال تحریم اقتصادی و تجاری علیه عراق تصویب کرد (۶ اوت)، الحاق کویت به عراق را مردود اعلام کرد (۹ اوت)، خواستار آزاد کردن تمام اسرایی شد که در بند نیروهای عراقی بودند (۱۸ اوت)، محاصره دریایی بین‌المللی برقرار کرد (۲۵ اوت)، حمل و نقل هوایی را متوقف کرد (۲۵ سپتامبر)، عراق را مسئول تمام خسارت‌های جنگی و زیان‌های اقتصادی خواند (۲۹ اکتبر)، و از تمام کشورهایی که به حمایت از کویت برخاسته بودند خواست در صورت عدم عقب‌نشینی عراق از خاک کویت تا تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱، «تمام گزینه‌های لازم» را به کار بگیرند (۲۹ نوامبر).

برای اولین بار بعد از جنگ کره، سازمان ملل متحد مجوز آزادی عمل برای سرکوب نیروی متجاوز را صادر کرد.

برای اولین بار بعد از جنگ کره [۱۹۵۰-۱۹۵۳]، سازمان ملل متحد مجوز آزادی عمل برای سرکوب نیروی متجاوز را صادر کرد. در نتیجه، عراق به علت محاصره اقتصادی و دریایی قادر به صادرات نفت نبود و در عین حال امکان واردات سلاح را هم نداشت، قدرت اقتصادی و نظامی اش به شدت تحت

تأثیر قرار گرفته بود و مجبور بود مرتباً بهترین نیروهایش را برای دفاع به منطقه مرزی کویت-عربستان اعزام کند. در هنگام پایان ضرب‌الاجل سازمان ملل، عراق ۵۴۵,۰۰۰ نفر و ۱۲ واحد نظامی (مجهز به سلاح‌های سنگین) و ۳۱ واحد پیاده‌نظام مکانیزه (سبک) به کویت اعزام کرده بود. ...

غلبه هوایی همه‌جانبه و سریع آمریکا

جنگ خلیج فارس در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ با حملات هوایی پی‌درپی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا آغاز شد. اهداف این حملات شامل مراکز فرماندهی و کنترل، سامانه‌های ارتباطی، پایگاه‌های هوایی، و پایگاه‌های پدافند هوایی بود. جنگ با حمله بالگردهای آپاچی ای‌اچ-۶۴ به سامانه راداری عراق و تخریب آن آغاز شد. سپس آمریکا با استفاده از جنگنده‌های شناساگریز اف-۱۱۷ در همان روز اول حمله ۳۱ درصد اهداف مورد نظر را بمباران کرد. اهداف بعدی مکان‌هایی بودند که تحت موقعیت دفاعی شدیدی بودند، از جمله مرکز شهر بغداد، که البته بی‌هیچ دشواری‌ای مورد حمله قرار گرفتند. نیروهای ائتلاف برای اولین بار از موشک‌های کروز زیردریایی و همچنین از انواع سلاح‌های هدایت‌شونده استفاده کردند.

در روز سوم جنگ، نیروهای هوایی ائتلاف، بعد از تخریب مراکز پدافند هوایی عراق، به اهداف راهبردی مانند پایگاه‌های کلیدی، تجهیزات ارتباطی نظامی و غیرنظامی، و کارخانه‌ها و تجهیزات مربوط به تولید سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای حمله کردند.

نیروهای ائتلاف از امتیاز انحصاری شناسایی دوربرد، استفاده از عکس‌ها و سیگنال‌های اطلاعاتی ماهواره‌ای، هواپیماهای جاسوسی الکترونیک، هواپیماهای سیستم کنترل و هشدار زودهنگام هوابرد (آواکس)، و هواپیماهایی با قابلیت هدف‌گیری

دقیق مانند جوینت استارز^۱ برخوردار بودند. به این ترتیب نیروهای ائتلاف هم در نبرد هوا به هوا و هم هوا به زمین برتری داشتند.

برتری نبرد هوایی در همان روزهای اول جنگ مشخص شد. در آغاز حمله نیروهای ائتلاف، عراق ۷۷۰ فروند هواپیمای جنگنده، ۲۴ پایگاه عملیاتی اصلی، ۳۰ پایگاه هوایی پراکنده، و شبکه‌ای وسیع و متشکل از حدود ۳,۰۰۰ فروند موشک زمین به هوا در اختیار داشت. اما برتری نیروهای ائتلاف چنان بارز بود که عراق نتوانست حتی در یک درگیری هوایی پیروز شود و ۳۵ فروند هواپیمای جنگنده‌اش را از دست داد. در پایان هفته اول جنگ هوایی، عراق از مقاومت در نبرد هوایی دست کشید و هواپیماهای عراقی به ایران گریختند، به این امید که بعد از جنگ، ایران هواپیماها و خلبانان را به عراق بازگرداند. بعد از روز چهاردهم جنگ، عراق دیگر از نیروی هوایی‌اش استفاده نکرد و در ادامه جنگ معلوم شد که پایگاه‌های پدافند زمینی عراق هم در برابر خطر حملات الکترونیکی، مادون قرمز، موشک‌های ضد رادار و سایر واکنش‌های متقابل بی دفاع هستند. ...

عراق تقریباً از همان آغاز جنگ متوجه شد در مقابل حملات نیروهای ائتلاف راهی بجز استفاده از موشک‌های دوربرد اسکاد ندارد. روز دوم جنگ، عراق با این موشک‌ها به اهدافی در اسرائیل و عربستان سعودی حمله کرد و تا زمان برقراری آتش‌بس این روند را ادامه داد. عراق مجموعاً ۴۰

عراق متوجه شد در مقابل حملات نیروهای ائتلاف راهی بجز استفاده از موشک‌های دوربرد اسکاد ندارد.

فروند موشک اسکاد به سمت اسرائیل و ۴۶ فروند موشک به سمت عربستان سعودی پرتاب کرد، اما این موشک‌ها خسارات نظامی مهمی به بار نیاوردند. به علاوه عراق موفق نشد اسرائیل را به اقدام متقابل برانگیزد، زیرا آمریکا در عوض سامانه دفاع موشکی پاتریوت را هم به اسرائیل و هم به عربستان داده بود؛ موشک‌های پاتریوت می‌توانستند اغلب موشک‌های اسکاد را که عراق پرتاب می‌کرد در هوا منهدم کنند و همین باعث می‌شد مردم احساس امنیت کنند. خودداری اسرائیل از پاسخ دادن به حملات عراق بسیار حایز اهمیت بود و باعث شد اعضای عرب نیروهای ائتلاف به حمایتشان از جنگ با عراق ادامه دهند. ...

جنگ زمینی در ساعت ۴ بامداد روز ۲۴ فوریه ۱۹۹۱ آغاز شد. تا آن زمان، ۴۰,۰۰۰

۱. سامانه راداری مراقبت و هدف‌گیری مشترک. — م.

سورتنی حمله علیه نیروهای زمینی عراق صورت گرفته بود. برآورد خسارت‌های وارده بسیار متفاوت است: نیروی هوایی ائتلاف ادعا می‌کند کلیه تجهیزات مربوط به راکتور هسته‌ای، ۱۱ انبار ذخیره سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی، ۶۰ درصد مراکز اصلی فرماندهی، ۷۰ درصد سامانه‌های ارتباطات نظامی، ۱۲۵ انبار مهمات، ۴۸ ناو دریایی عراقی، و ۷۵ درصد ظرفیت تولید برق کشور را به طور کامل نابود کرده یا به شدت تخریب کرده است. ذخایر لجستیک میدان جنگ تا ۹۰ درصد نابود شده بود. طبق برآورد فرماندهی آمریکا، ۱,۳۰۰ دستگاه تانک عراقی، ۸۰۰ دستگاه خودرو زرهی دیگر، و ۱,۱۰۰ قطعه توپخانه هم طی حملات هوایی تخریب شده بودند.

حملات هوایی در تمام مدت جنگ زمینی هم ادامه داشت. تا روز ۲۸ فوریه و زمان شروع آتش‌بس، نیروهای هوایی ائتلاف حدود ۸۸,۵۰۰ تن مواد منفجره روی اهداف مورد نظر ریخته بودند که ۶,۵۲۰ تن از آن‌ها به وسیله سلاح‌های هدایت‌شونده بود. در مجموع ۲۱۶ فروند هواپیمای عراقی و نزدیک به ۶۰۰ آشیانه هوایی نابود شدند. حملات نیروی هوایی ائتلاف ۵۴ پل را تخریب یا غیرقابل استفاده کرده بودند — اقدامی که در مراحل پایانی جنگ تأثیر بسزایی داشت و باعث شد نیروهای عراقی در روزهای آخر جنگ نتوانند از رود دجله عبور کنند و به شمال بصره بگریزند.

برتری نیروهای ائتلاف در جنگ زمینی

از همان زمان شروع جنگ زمینی معلوم بود که این مرحله به سرعت و با قاطعیت به پایان می‌رسد، زیرا نه تنها ارتش عراق به شدت تضعیف شده بود و توان مقابله با نیروهای ائتلاف را نداشت، بلکه نیروهای ائتلاف هم از نظر اطلاعاتی و هم از لحاظ فناوری تاکتیکی برتری چشمگیری داشتند. نیروهای ائتلاف از شیوه «نبرد زمینی با پشتیبانی هوایی» استفاده کردند. آمریکا که قبلاً این روش را برای مقابله با پیشرفته‌ترین تسلیحات کشورهای عضو پیمان ورشو در اروپا پدید آورده بود، حال از آن در جنگ علیه عراق استفاده می‌کرد. هرچند ارتش عراق به سلاح‌های مدرن مجهز بود، برای نبردهای فرسایشی و سنگر به سنگر آماده شده بود، مانند جنگ در مقابل ایران که نیروی هوایی قدرتمندی نداشت.

نیروهای ائتلاف از نظر قدرت تسلیحاتی و نیز تعداد رزمنده‌ها برتری قابل توجهی در برابر عراق نداشتند، ولی از افرادی بانگیزه و حرفه‌ای برخوردار بودند. در مقابل، نیروهای عراقی سربازان وظیفه بی‌انگیزه و بی‌روحیه‌ای بودند که از آموزش نظامی کافی برخوردار نبودند. نمی‌توان با قطعیت گفت این رخوت ناشی از حمله به یک

کشور عرب «برادر» بود یا به علت ضعف سازماندهی و رهبری یا حاصل حملات هوایی نیروهای ائتلاف بود. در هر حال، این سه عامل سبب تضعیف توانایی‌های ارتش عراق شدند.

عراق مدت‌ها قبل از این که نیروهای زمینی ائتلاف برای آزادسازی کویت وارد عمل شوند به یک «موفقیت» در جنگ زمینی دست یافته بود. روز ۲۹ ژانویه چند تیپ عراقی پس از عبور از مرز عربستان به شهر خفجی حمله کردند، اما شهر تخلیه شده بود و روز بعد نیروهای عربستان، قطر و تفنگداران آمریکایی عراقی‌ها را وادار به عقب‌نشینی کردند. در نتیجه این پیشروی بیشتر از این که نمایش قدرت باشد، بیانگر ضعف نیروهای عراقی بود.

حمله به خفجی تأثیری در برنامه‌های نیروهای ائتلاف نگذاشت و آن‌ها از مواضعشان در طول خط ساحلی و جنوب کویت به سوی مناطقی در نزدیکی مرز عربستان و عراق و همچنین غرب کویت حرکت کردند. این جابه‌جایی کمک کرد تا بعدها نیروهای ائتلاف بتوانند به عمق خاک کویت و عراق وارد شوند.

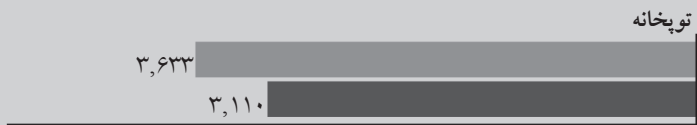
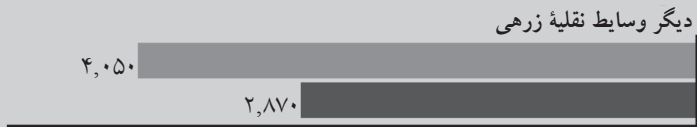
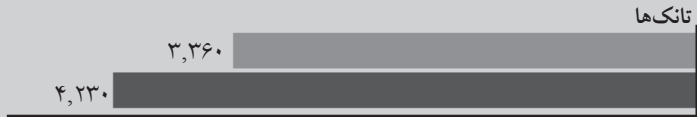
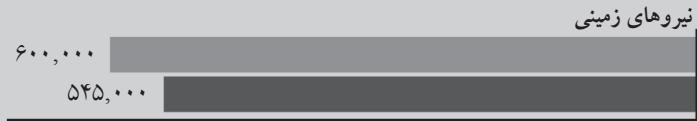
جابه‌جایی نیروهای زمینی از ۱۷ ژانویه و همزمان با آغاز مرحله حمله هوایی شروع شد. این کار با مشکلات بزرگ لجستیکی و حرکتی همراه بود، ولی سرانجام نیروهای اعزامی تفنگداران دریایی آمریکا و نیروهای نظامی عربستان، سوریه و مصر در محلی مستقر شدند که به آسانی می‌توانستند از مرکز مرز جنوبی کویت بگذرند و به سمت شمال به سوی شهر کویت پیشروی کنند. همزمان، نیروهای فرانسوی و سپاه هفتم آمریکا هم به سمت غرب حرکت کردند و در منطقه‌ای مستقر شدند که بتوانند با شروع حمله ارتباط بخش جنوبی عراق را با بغداد قطع کنند و سپس با دور زدن کویت از جهت غرب به سمت بصره پیش بروند. نیروهای بریتانیایی و نیروی زمینی سپاه هجدهم آمریکا هم در منطقه‌ای در غرب کویت و نزدیک به مرز عربستان و عراق استقرار یافتند.

ژنرال نورمن شوارتسکف، فرمانده نیروهای ائتلاف، در حرکتی که بعدها آن را «پاس رو به جلو» خواند، موفق شد دو سپاه مجهز کامل را در طول خط مرزی عراق در غرب کویت مستقر کند، بدون این که عراقی‌ها متوجه این تحرکات شوند. شوارتسکف با به‌کارگیری نیروهای ویژه و گشت‌زنی‌های گسترده و مداوم موفق به انجام دادن این کار شد، البته نیروی هوایی ائتلاف هم تمام امکانات شناسایی و جاسوسی عراق را، حتی در مجاورت مرزهای خودش، از بین برده بود.

مقایسه تجهیزات نظامی

مقادیر تجهیزات اساسی دو طرف درست پیش از شروع جنگ خلیج فارس

نیروهای ائتلاف به رهبری
آمریکا
عراق



برگرفته از:

International Military and Defense Encyclopedia. Trevor N. Dupuy, Ed.
Washington, D.C.: Brassey's, 1993.

روز ۲۴ فوریه ۱۹۹۱ و با شروع حملات هوایی این حرکت غافلگیرانه نقش مهمی ایفا کرد. دو حمله هوایی همزمان مواضع دفاعی عراق را در هم شکستند. در حمله اول نیروهای کشورهای عرب (عربستان سعودی، کویت، قطر و عمان) به همراه تفنگداران آمریکایی شرکت داشتند و به جبهه گسترده‌ای از «تنگه» شمالی واقع در مرز عربستان سعودی و کویت تا خط ساحلی نفوذ کردند، از خطوط دفاعی عراق در مرزهای جنوبی کویت گذشتند و در عرض دوازده ساعت توانستند فاصله‌شان تا شهر کویت را به نصف کاهش دهند. آمریکا برای تضمین موفقیت این عملیات برای نیروهای عراقی تله‌ای گذاشت و فرماندهان نظامی عراقی که متقاعد شده بودند تفنگداران آمریکایی در صدد اجرای عملیات آبی-خاکی در طول خط ساحلی هستند نیروهایشان را در این منطقه متمرکز کردند.

حمله دوم از غربی‌ترین موضع نیروهای ائتلاف در مرز عراق و عربستان صورت گرفت. لشکر ششم زرهی سبک فرانسه و یک تیپ از لشکر ۸۲ هوایرد حدود ۱۴۰ کیلومتر به سمت شمال پیش رفتند و پایگاه هوایی سلمان را تصرف کردند. سپس لشکر ۱۰۱ هوایرد آمریکا بزرگ‌ترین حمله هوایی تاریخ نظامی را آغاز کرد، و نیروهای هلی‌بورن آمریکا ابتدا به سوی پایگاه لجستیکی عراق پیش رفتند و سپس در مناطقی در اطراف سماوه^۱ در کنار رود فرات موضع گرفتند. این حمله باعث شد مسیر بصره به بغداد، که در جنوب رود فرات قرار داشت، قطع شود.

لشکر ۱۰۱ هوایرد آمریکا بزرگ‌ترین حمله هوایی تاریخ نظامی را آغاز کرد.

بعد از ظهر همان روز، نیروهای ائتلاف حمله سوم را انجام دادند. لشکر سوم زرهی و لشکر ۲۴ از سپاه هجدهم از مرز عراق عبور کردند و به سوی وادی الباطن^۲ و راه‌های غربی منتهی به شهر کویت پیشروی کردند. در بخش شرقی هم نیروهای زمینی آمریکا و بریتانیا به سوی عراق پیشروی کردند. لشکر یکم پیاده‌نظام آمریکا در خط دفاعی عراق رخنه کرد و بی‌درنگ لشکر یکم زرهی بریتانیا و هنگ سواره‌نظام دوم و لشکرهای زرهی یکم و سوم ارتش آمریکا از این موقعیت استفاده کردند و پیشروی‌شان را ادامه دادند. در این پیشروی حمله‌ای ضربتی به نیروهای گارد جمهوری عراق مستقر در غرب شهر کویت، شمال کویت و غرب بصره صورت گرفت. سرانجام، روز ۲۵

۱. شهری در عراق. — م.

۲. رودخانه‌ای فصلی که در عربستان و کویت و عراق جریان دارد و از سال ۱۹۱۳ به عنوان مرز عراق و کویت تعیین شده است. — م.